

بایسته‌های حکمرانی و ایماژهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل

رضا سیمیر^{۱*}

آزیتا ملکی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۷

چکیده

مقاله حاضر کنکاشی است در این موضوع که چرا موفقیت سیاست خارجی به طراحی و اجرای یک حکمرانی خوب در عرصه ملی نیازمند است. به عبارت دیگر، ایده نوشتار حاضر این است که موفقیت سیاست خارجی هر کشوری و تصویر ارایه شده از آن و پایایی این موفقیت به طور نسبی نیازمند بایسته‌های داخلی حکمرانی آن می‌باشد. هرگز یک کشور توسعه نیافته و پر از چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نمی‌تواند که در عرصه سیاست خارجی و اعمال قدرت نرم خود به شکل مستمر و پایایی موفق باشد. هر کشوری که می‌خواهد ایماژ خوبی را در روابط بین‌الملل از خود ارایه نماید، باید که به تقویت توانمندی‌های اقتصادی و رفع نابرابری‌های ناموجه در کشور و تقویت طبقه متوسط در آن سخت بکوشد. به دیگر سخن، ایده مقاله حاضر این است که این توانمندی‌های داخلی یک کشور است که به سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی آن توان بیشتری را ارایه می‌کند و بر قدرت نرم و تاثیرگذاری آن می‌افزاید. در این نوشتار که با شیوه توصیفی، تحلیلی و تجویزی تهیه شده است، ضمن ارزیابی از وضعیت موجود، و در چارچوبه نظریه گفتمان انقلاب اسلامی، به بایسته‌های ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی با تاکید بر حکمرانی خوب در زمینه تامین عدالت اجتماعی پرداخته می‌شود. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که شرایط داخلی اقتصادی کشور، وجود نابرابری‌های ناموجه، ناکامی‌های اقتصاد تولید محور و اشتغال محور، وجود فساد و عدم شفافیت و پاسخگویی در نظام اقتصادی، رانت‌های صنعتی، معادن، مالی و بانکی، از عمده‌ترین موانع و چالش‌های موجود در حکمرانی است که ارتقا و تحکیم موفقیت‌های ایران در سیاست خارجی را نیز با مشکل مواجه می‌کند. اگر وضعیت فعلی تصحیح و بازسازی نشود، این امکان افزایش می‌یابد که دستاوردهای سیاست خارجی ایران در زمینه استقلال‌گرایی و اقتدار منطقه‌ای با چالش‌های بزرگی مواجه شود. ضمن این که خاطر نشان می‌شود، نظام حکمرانی بد می‌تواند اعتماد مردم را نشانه بگیرد، این در حالی است که اعتماد ملی ستون اصلی ثبات اجتماعی و کسب اقتدار و افزایش قدرت نرم برای کشور در جهت نیل به موفقیت در سیاست خارجی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، حکمرانی خوب، گفتمان انقلاب اسلامی، قدرت نرم، ایماژهای ملی، عدالت اجتماعی، نابرابری‌های ناموجه، اعتماد ملی

۱. استاد گروه علوم سیاسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

* نویسنده مسئول: rezasimbar@hotmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق و مدرس دانشگاه

مقدمه

مقاله حاضر به نکات مهمی در خصوص الزامات و بایسته‌های ملی یا داخلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. به عبارت دیگر ارتباط میان حکمرانی و سیاست خارجی چیست و چه ارتباط معناداری را می‌توان بین این دو به وجود آورد. ایده اصلی این است که علیرغم تحقق نسبی استقلال خواهی در سیاست خارجی و قدمهای محکمی که در اقتدارگرایی منطقه‌ای جمهوری اسلامی برداشته شده است، اما متأسفانه حکمرانی داخلی پا به پای سیاست خارجی ما حرکت نکرده است. اگر وضعیت فعلی ادامه پیدا کند و راه برای اصلاح حکمرانی داخلی به سمت حکمرانی خوب، پاسخگویی و شفاف‌سازی، رفع نابرابری‌های ناموجه و تامین عدالت اجتماعی باز نشود، مفصل‌بندی گفتمانی انقلاب به شدت آسیب خواهد دید و منظر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ایماژی که از گفتمان انقلاب اسلامی نیز ایجاد شده است، ضربه خواهد خورد. بنابراین، ایده مرکزی نوشتار حاضر، نشان دادن ارتباط وثیق سیاست خارجی ما به الزامات داخلی آن می‌باشد.

در این خصوص مقالات و نوشته‌هایی وجود دارد مانند اینکه خادم علیزاده (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان واکاوی جایگاه مولفه‌های اقتصاد بخش عمومی در رشد و تعالی تمدن نوین اسلامی می‌گوید که اقتصاد بخش عمومی می‌تواند از طریق ایجاد عدالت و رشد و استقلال و اقتدار اقتصادی، تحکیم ارزش‌های اسلامی و تقویت سرمایه اجتماعی در تشکیل و بالندگی تمدن نوین اسلامی اثرگذار باشد. همچنین برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد رشد و پیشرفت و رونق اقتصادی، فراهم آوردن زیرساخت‌ها، نهادها و زمینه‌های تمدنی همه از مولفه‌های اصلی تمهید کننده راه برای تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این مقاله بحث ایماژها مدنظر است ولی ارتباط آن به قدرت نرم و سیاست خارجی مورد بحث نمی‌باشد.

مرشدی‌زاد (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان حکمرانی خوب، حکمرانی مطلوب و تمدن نوین اسلامی به رابطه بین نظریه حکمرانی خوب و تحقق تمدن نوین اسلامی می‌پردازد. وی می‌گوید که مفاهیم و اجزای مندرج در نظریه حکمرانی خوب، تضاد و تعارضی با ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران ندارد و می‌توان از آن برای ایجاد نظامی

کارآمدتر و و سالم‌تر بهره گرفت و ارتقای مولفه‌های بالقوه قانونی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی در جهت مسیر حکمرانی خوب راه بهتری را برای نیل به تمدن نوین اسلامی فراهم می‌آورد، که این مقاله به بررسی این مولفه‌ها و شاخصه‌ها می‌پردازد، ولی مباحث ارتباط موضوع با سیاست خارجی مطرح نمی‌باشد.

درخشه و غفاری (۱۳۹۰) در مقاله مشترکشان تحت عنوان دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام به بررسی فرصت‌ها، اقدامات و اولویت‌های ایران در خصوص دیپلماسی عمومی در حیطه ژئوپلیتیک جهان اسلام می‌پردازند و تلاش می‌کنند که به این وسیله ارتباط این مولفه‌های مختلف را با دیپلماسی عمومی در ایران مشخص کنند و راهکارهایی که می‌تواند علی‌الاصول به دستاوردهای فرهنگی بیشتری برای کشور فراهم کند را مورد شناسایی قرار دهند و آن‌ها را به مخاطبان خود معرفی کنند. اینان نیز اگرچه مولفه‌های موفقیت دیپلماسی عمومی را مطرح می‌کنند اما ارتباطی را بین دیپلماسی عمومی و ارزش‌یابی حکمرانی در نوشتار خود مد نظر ندارند. سردارنیا (۱۳۸۸) در نوشتار خود به این نکته می‌رسد که که متغیرهای مربوط به حکمرانی خوب بهتر از متغیرهای مربوط به سرمایه اجتماعی، تبیین کننده واریانس اعتماد سیاسی است. بنابراین بهتر است، هر گاه در صدد هستیم که اعتماد سیاسی را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم، بهتر است که حتما متغیرهای اصلی حکمرانی را به عنوان اصلی‌ترین شاخصه‌های مطالعه خود مورد نظر داشته باشیم. در این جا باز تاکید خوبی در زمینه اعتماد سیاسی و حکمرانی خوب شده است، اما این ارتباط بین این مولفه‌ها و ایجاد ایماژها در سیاست خارجی مورد نظر نبوده است.

گراهام و همکاران (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود حکمرانی خوب را یک شرط لازم و ضروری جهت دستیابی به رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه دانسته‌اند. آن‌ها دلیل اصلی را شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی نظام حکمرانی معرفی می‌کنند که قادر است اعتماد عمومی را جلب کند. اما باز ارتباط بین حکمرانی خوب و موفقیت در سیاست خارجی مد نظر وی و همکارانش نیست.

حشمت زاده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران به نظریه حکمرانی خوب به عنوان یک الگوی مطلوب توسعه و

مدیریت در جوامع می‌پردازند و معتقدند که علیرغم طرح این نظریه در ایران و تطابق عمده شاخص‌های آن با مبانی اعتقادی و حقوقی کشور، کمتر حرکت جدی برای تحقق حکمرانی خوب در ایران صورت گرفته است و با وجود ارتباط این موضوع با حوزه سیاست و اجرای آن در بدنه دولت و نظام سیاسی با موانع گوناگونی مواجه می‌باشد.

مهدوی عادل و همکاران (۱۳۸۶) در نوشتار خود با عنوان تاثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط، معتقدند که تحقق شاخصه‌ها و مولفه‌های عمده در حکمرانی خوب می‌تواند که بر جذب سرمایه‌گذاران خارجی تاثیر مستقیم داشته باشد. اینان ضمن معرفی این شاخصه‌ها، به تبیین و توضیح این ارتباط به طور کیفی و کمی می‌پردازند.

شامیری و شاهنده (۱۳۹۷) در اثر خود بر روی قدرت هوشمند چین تاکید می‌کنند و ضمن تشریح عوامل قدرت هوشمند، آن را ترکیبی از عوامل سخت افزاری و نرم‌افزاری قدرت معرفی می‌کنند و نظرشان این است که چین برای پیشبرد اهداف خود در سیاست خارجی نیازمند این ترکیب است و قطعاً تامین عدالت اجتماعی در داخل هم یکی از این عوامل ایماژسازی برای قدرت هوشمند چین در عرصه روابط بین‌الملل است.

همان طور که می‌توان دید عمده کارهای تحقیقاتی عمدتاً به تاثیر حکمرانی در تحقق تمدن نوین اسلامی می‌پردازند، یا به طور مستقل به خود حکمرانی، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم و یا اعتماد و مشروعیت می‌پردازند و کار مستقلی که تاثیر حکمرانی خوب با محوریت عدالت اجتماعی را به طور کیفی بر روی ایماژسازی در سیاست خارجی بپردازد، وجود ندارد که این کار به نوبه خود در این مورد نوآوری محسوب می‌شود.

در این مقاله در ابتدا ضمن معرفی و تبیین نظریه گفتمان انقلاب اسلامی، تاکید می‌شود که دال مرکزی این گفتمان، اسلام مداری و مفصل‌بندی‌های آن، استقلال طلبی، مردم سالاری دینی و عدالت اجتماعی بوده اند که در این مقاله در میان این مولفه‌ها ارتباط بین حکمرانی خوب و عدالت اجتماعی تبیین می‌شود و نشان داده می‌شود که اگر ایران بخواهد دستاوردهای خود در زمینه استقلال طلبی و اقتدار در سیاست خارجی حفظ کند و ارتقاء ببخشد، نباید از حکمرانی خوب در عرصه‌های ملی عقب بیافتد، چرا

که حکمرانی بد می‌تواند اعتماد مردم را به چالش بکشاند و سپس به طور نسبی و کم‌کم، ایماژ نامناسبی را در عرصه بین‌المللی ایجاد نماید. بنابراین رابطه حکمرانی خوب ملی و موفقیت در ایماژسازی سیاست خارجی ارتباط وثیق و محکمی است که در این نوشتار توضیح داده می‌شود و به طور نمونه برخی چالش‌های کلیدی با محوریت مولفه تامین عدالت اجتماعی معرفی می‌شوند.

چارچوبه تئوریک: نظریه گفتمان انقلاب اسلامی و دیپلماسی پیشرفت درون‌زا

گفتمان‌های انقلابی، در سپهر سیاست و اجتماع به عنوان پاسخی قلمداد می‌شوند که برای کنکاش‌های بدیل‌یابی در خصوص وضع موجود و یا گفتمان غالب و حاکم صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر گفتمان‌ها، قالب‌های هنجاری، فکری و فرهنگی هستند که ارزش‌ها، باورها، و دیدگاه‌های مردم و رهبران آن‌ها را در خود جای می‌دهد. گفتمان‌ها یک اشتراک بین‌الذهانی را بین مردم در خصوص این ارزش‌ها و باورها به وجود می‌آورد و گفتمان انقلابی بر علیه گفتمان مستقر در جامعه بر می‌خیزد و آن را به چالشی سخت می‌کشاند. این گفتمان‌ها همواره نیازمند رهبری هستند که آن‌ها را هدایت کند و به پیش‌برد. بدون رهبری و بسیج توده‌های مردم گفتمان‌های انقلابی شکل نمی‌گیرند و نیاز است که در راستای نیل به هدف و جایگزین نمودن گفتمان انقلابی به جای گفتمان موجود، این رهبری توده‌ها در قالب یک جنبش اجتماعی و سیاسی شکل بگیرد و به سرانجام مطلوب برسد. بدون رهبری، گفتمان‌ها، هرگز قابلیت تبدیل به گفتمان‌های حاکم را پیدا نمی‌کنند.

گفتمان‌های انقلابی موفق و پیروزمند از درون خود نظم سیاسی یا نظام مختص به خود را می‌آفرینند، که در ساختار مندی آن‌ها، توده‌های انقلابی و معتقدان به آن انقلاب، امیدوارند همان ارزش‌های مشترک بین‌الذهانی نهفته در آن گفتمان را که به واسطه آن‌ها بسیج شده و هزینه کرده بودند را متحقق ببینند. به این ترتیب هر گفتمان انقلابی، پس از استقرار نظام سیاسی مختص به خود، توقعات و انتظاراتی را تولید می‌کند که در آن فرآیند مورد سنجش و ارزیابی مردم قرار می‌گیرند. نظام سیاسی متولد شده مورد



ارزیابی قرار می‌گیرد مبنی بر اینکه تا چه حدی توانسته است ارزش‌های بین‌الذلهانی ایجاد شده آن‌گفتمان را متحقق سازد.

گفتمان انقلاب اسلامی مانند همه گفتمان‌های انقلابی یک سری از ویژگی‌های خاص و ویژه مختص به خود را دارا می‌باشد که آن را از سایر گفتمان‌ها جدا و متمایز می‌سازد. اولین ویژگی گفتمان انقلاب اسلامی ایران دینی بودن یا اسلامی بودن آن است. به این ترتیب سایر مولفه‌های دیگری که در این گفتمان مطرح می‌شود تحت تاثیر این مولفه قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، عدالت محوری ممکن است که در سایر نهضت‌های سیاسی و اجتماعی مطرح شوند، ولی عدالت محوری موجود در گفتمان انقلاب اسلامی ایران منبعث از تفکر اسلامی می‌باشد. می‌توان گفت که اسلام خواهی بنیاد اصلی گفتمان انقلاب اسلامی ایران است. اسلام‌گرایی با منش سکولاریستی، لیبرالیستی و یا مارکسیستی سنخیتی ندارد، و در این دیدگاه، ارزش‌های لیبرالی سرمایه داری هم خالی از ارزش‌ها و هنجارهای عدالت محور تلقی می‌شود. شاه کلید اصلی گفتمان انقلاب اسلامی در کنار استقلال طلبی، مردم سالاری دینی و عدالت محوری است، که اقتصاد و ارزش، با یکدیگر عجین و آمیخته هستند و غیر قابل انفکاک می‌باشند، و همه این‌ها در کنار اسلام‌گرایی که دال مرکزی است، از عناصر مفصل بندی این گفتمان محسوب می‌شوند. (Simbar, 2010)

عدالت محوری یکی از ارکان حکمرانی در کشور است و به معنای اولویت کار اقتصادی در راستای ایجاد برابری فرصت‌های اجتماعی برای آحاد مردم می‌باشد. بنابراین، در تحقق این مطلب، باید تلاش شود تا بر اساس ادعاها و الزامات گفتمانی انقلاب اسلامی، نسبت به حل مسایل معیشتی و مشکلات اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی مردم اقدام شود و ضمناً، تلاش شایسته‌ای صورت بگیرد که مردم نسبت به اثر بخشی این راه ایمان پیدا کنند. از این دریچه نظر، بالا بردن حداکثری مطلوبیت و تامین سود هر چه بیشتر برای تولید کننده، قابل قبول نیست. بالا بردن میزان مصرف‌گرایی هدف عالی و غایی نیست، بلکه پرهیز از اسراف و تبذیر، توجه ویژه به محرومان و تامین عدالت اجتماعی مطرح می‌باشد. در این راستا مدیران اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران باید به دنبال تامین نظر و توجه دقیق به راه‌کارهایی باشند که سرمایه‌گذاری آحاد مردم در

اقتصاد صورت بپذیرد و نه اینکه اقتصاد دلال محور و پول محور، مرکز تفکر حکمرانی قلمداد گردد. دولت عدالت محور بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی دولت رفاه و ایجاد برابری فرصتها و توزیع عادلانه ثروت در کشور است. باید در مقابل رانت اطلاعاتی مقاومت کند، به اصلاح ساختاری نظام بانکی بپردازد، برابری قانونی و برابری فرصتها را با یکدیگر بیامیزد و از تجمل گرایی و اسراف سخت پرهیز کند (راغفر، و احسان سلطانی، ۱۳۹۸).

موفقیت ایران در ایماژهای گفتمانی انقلاب اسلامی می تواند که راه را برای تقویت قدرت نرم آن در عرصه بین المللی باز کند. پارامترهای قدرتی در عرصه نظام بین الملل گوناگون هستند و قدرت عاملی است که به واسطه آن بازیگران می توانند که بر سایرین اعمال نفوذ نمایند. این عوامل، گستره سخت افزاری دارد، مانند قدرت نظامی و اقتصادی، و گستره نرمی دارد مانند سابقه تمدنی، ارزشهای انسانی، جامعه ملی قدرتمند، پرستیژ بین المللی و غیره. برخی از عوامل قدرت مادی کمی بوده و می توان با ابزار مرتبط به اندازه گیری آنها پرداخت، مانند تعداد لشکر و موشک و تانک، اما عواملی قدرت نرم یا قدرت معنوی را به سختی می توان اندازه گیری کرد چون کیفی هستند و غیر مادی. به عنوان نمونه بارز، تعداد لشکر را می توان به عدد بیان کرد اما این لشکر چه مقدار دارای روحیه نبرد است را به سختی می توان حدس زد یا برآورد نمود. استفاده از منابع قدرت به شکل بهینه وابسته به پارادایم محیطی آن است. منابع قدرت در گذر زمان تغییر می کنند، اما عوامل معنوی قدرت به شدت در میزان اثرگذاری عوامل سخت موثر هستند (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۷: ۵۵-۷۴).

در این خصوص آمریکا مثال خوبی است. واشنگتن علیرغم اینکه در زمینه لشکر و تجهیزات نظامی در دنیا شماره اول است، اما همواره به محدودیتهای این قدرت نیز به خوبی آگاه می باشد. به این ترتیب بود که آمریکا در جنگ ویتنام شکست خورد و سربازان اندک هوشی مینه، لشکر بزرگ و مجهز آمریکا را به فرار وا داشتند، یا در دوران هشت سال دفاع مقدس، در مقابل تجاوز نظامی عراق، رزمندگان ایرانی، با روحیه بالا در مقابل لشکریان بعث که از حمایت دنیای غرب برخوردار بودند ایستادگی کردند و

نگذاشتند که حتی یک وجب از خاک این کشور، در تملک متجاوزان قرار گیرد (سیمبر، ۱۳۹۳).

اکنون شرایط نظام بین‌الملل به گونه ای است که نمی توان تنها به قدرت سخت نظامی اکتفا نمود، و یک سیاست خارجی موفق نیازمند تحقق قدرت هوشمند است. قدرت هوشمند نه از جنس قدرت نرم و نه از جنس قدرت سخت است، بلکه آمیخته و ترکیبی از توانمندیها و قابلیت‌های این دو می‌باشد. در قدرت هوشمند یک استراتژی منابع محور، همگرایانه و ابزار محور جهت نیل به بالاترین سطح منافع ملی تعبیه می‌شود. طراحی و برنامه‌ریزی این استراتژی، قدرت ایران را بیش از پیش خواهد نمود و قابلیت‌های دفاعی و گسترش ارزشهای اسلامی و ایرانی را در دنیا میسر خواهد ساخت (شامیری و شاهنده، ۱۳۹۷: ۴۷-۳۹).

ترکیب مدیرانه این دو می‌تواند راه را برای استقرار و پیگیری قدرت هوشمند در سیاست خارجی ایران فراهم سازد و به این ترتیب جایگاه آن رادر سطح نظام بین‌الملل ارتقا دهد. نکته مهم که در این نوشتار نیز مورد تاکید می‌باشد، حرکت به سمت حکمرانی خوب و بالا بردن سطح اعتماد ملی است، که به نوبه خود می‌تواند سطح توان ملی و قدرت نرم کشور را در عرصه های منطقه ای و بین‌المللی افزایش دهد. افزایش توانمندی همه شهروندان ایرانی و بالا رفتن سطح عدالت اجتماعی و از بین بردن نابرابری‌های ناموجه به معنای قدرتمند شدن ایران نه تنها در عرصه ملی بلکه در صحنه‌های جهانی نیز می‌باشد و ایماژ جهانی از ایران را بهبود خواهد بخشید. به دیگر سخن، در کنار همه این‌ها، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عنصر، ارتقای وضعیت داخلی و توانمندی شهروندان ایرانی است که پیش نیاز همه موارد بالا می‌باشد و قطعاً با فقر و بیکاری و عدم توانمندی در گروه چشم گیری از مردم، هرگز اقتدار ایران در دو سطح منطقه‌ای و جهانی شرایط پایداری نخواهد داشت (سیمبر، ۱۳۹۸).

از همان ابتدا تاکنون، گفتمان انقلاب اسلامی مدعی یک دیدگاه اخلاقی و ارزشی در سیاست جهانی بوده است. مستندات این ادعا، پایمردی در احقاق حقوق حقه مردم فلسطین و هم‌چنین، پایمردی در مسایل خاورمیانه و به ویژه کمک به مقاومت در لبنان و سوریه، از مهم‌ترین ترجمان‌های این نگرش هنجاری به نظام بین‌الملل است. می‌توان گفت که ایران، پس از ترویج آرمان‌های گفتمانی انقلاب اسلامی، شاخصه‌های مهمی از عدالت خواهی، ظلم

ستیزی و کمک به محرومین و مستضعفین عالم و اخلاق‌گرایی را مدعی شده است. ایران می‌کوشد تا از این شاخصه‌های قدرت نرم و ارزش‌مدارانه در راستای تقویت قدرت نرم و دیپلماسی عمومی و فرهنگی خود در عرصه بین‌المللی استفاده کند. اما باید دقت داشت، که اگر ایران نتواند حکمرانی خوب را در در عرصه‌های ملی به پیش ببرد و همواره اوضاع معیشتی مردم بدتر شود، و فقر و بیکاری و نابرابری‌های ناموجه در آن گسترش یابد، قطعاً تصویری را که می‌خواهد از خود در دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی عرضه کند، خدشه دار نموده و به سختی خواهد توانست که آن را حفظ نماید. نگاه ایران به نظام بین‌الملل یک نگاه انتقادی و ارزشی است که به نظر می‌رسد طرفداران زیادی هم دارد. اما قطعاً اگر حکمرانی بد عمل کند، این طرفداران از عملکرد گفتمانی جمهوری اسلامی کم‌کم ناامید می‌شوند. بنابراین، سطح رضایت مندی، ارتقاء و تقویت مشروعیت حکومت در نزد عامه مردم از شروط اصلی حفظ ایماژها یا تصویر از میزان موفقیت گفتمان انقلاب اسلامی و ثبات و قدرت مشروعیت جمهوری اسلامی است، چرا که مشروعیت داخلی و مردم‌سالاری لازمه بنیادین موفقیت در یک سیاست خارجی هوشمند است (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۷۹-۷۳).

ایده اصلی در دیپلماسی ایرانی، پیشرفت درون‌زا در گفتمان انقلاب اسلامی است که به معنای پیشرفت واقعی متکی به توانایی‌های درونی یک ملت باشد. به اعتبار دیگر توان‌سنجی راستین ملت کشور، وابسته به درون‌زایی پیشرفت است. اینجا باید به نکته مهم و کلیدی در بحث اشاره نمود، پیشرفت در پارادایم انقلاب اسلامی ایران، مشخصات و ممیزات ویژه و منحصر به فرد خود را داراست. بنا به نظر طراحان انقلاب اسلامی، پیشرفت جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند منفک و جدای از ساز واره هنجاری و هویتی آن باشد. ایران هویتی، دنبال هر گونه پیشرفتی نیست، نمی‌خواهد از ممیزات هویتی خود بگذرد و مثلاً صرفاً به هر قیمتی به درآمد خالص ملی بالاتری برسد، درست به مانند منافع ملی که معنا و جایگاه خود را در مجموعه ارزشی انقلاب اسلامی داراست.

در این راستا است که ایده پیشرفت درون‌زا به معنای اتکای به خود و استقلال خواهی به معنای اخص آن در جمهوری اسلامی ایران است، امری که نمی‌تواند در توسعه برون‌زا جدی گرفته شود. در خط فکری توسعه برون‌زا که همواره طرفداران جدی خود را قبل از



انقلاب و تاکنون داشته است، پیشرفت ملت و کشور ایران یک الگوی بیشتر ندارد و آن هم جذب شدن در نظام بین‌الملل مستقر ساخته شده در عرصه سیاست و نظام جهانی است. طرفداران پیشرفت برون‌زا خواهان سازش با ساختارهای فعلی مستقر جهانی هستند. اینان به ایده مقاومت و انقلابی‌گری اعتقادی ندارند و اگر هم عده‌ای اعتقاد داشته باشند، معتقدند نباید فعلاً تا تقویت بنیه ایرانی، برایش هزینه‌چندانی کرد. به نظر اینان باید تمام هماهنگی با دنیای غرب را حفظ کرد، نباید حرفی زده شود یا عملی کرد که ضدیت و خصومت به وجود آورد. بلکه بر عکس هر آن چه در توان است، باید به میدان آورده شود، تا سازگاری با نظام بین‌الملل تامین شود، مخالفت با آنان مخالفت با پیشرفت است. اقدام علیه سلطه آنان پسرفت است و عقب ماندن. باید تلاش کرد، تا در نظام سرمایه‌داری غربی جذب شد و سیاست خارجی تقابل‌جویانه را کنار گذاشت (خانی، ۱۳۹۵: ۶۹-۶۳).

اما در مقابل باید دقت داشت که دیپلماسی پیشرفت درون‌زا، مدعی یک دیپلماسی مبتنی بر هویت انقلابی اسلامی است. می‌خواهد با نظام جهانی تعامل داشته باشد، اما از ایده مقاومت هم نمی‌گذرد، می‌خواهد در عرصه تجارت جهانی فعال باشد، اما وقتی به یک شرکت صهیونیستی رسید، متوقف می‌شود و نه می‌گوید. در دیپلماسی پیشرفت درون‌زا، بدون ارزش به دنیا نگریسته نمی‌شود. این نوع از دیپلماسی چون هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی اسلامی دارد و نگاهش به دنیا سکولار نیست، حق و باطل می‌کند و در جایی که لازم است حتی هزینه می‌نماید، تا استقلال و عزت نفس هویتی در گفتمان انقلاب اسلامی ایران باقی بماند و اعتقاد دارد که اندک اندک راه برای ایرانی با عزت و مستقل اما در رفاه و همراه با عدالت اجتماعی ممکن گردد. در این دیپلماسی هنجاری، از ایده مقاومت در لبنان و سوریه حمایت می‌شود و این اعتقاد وجود دارد که باید در آنجا مقاومت شود، تا در اینجا امنیت مرزها به خطر نیفتد. به نظر اینان دشمنان انقلاب اسلامی به لبخند دیپلماتهای ایرانی بسنده نخواهند کرد و تا ارزشهای انقلاب اسلامی را خنثی نسازند و ایران را به سمت دیپلماسی سکولار سوق ندهند، راضی نخواهند شد. به این ترتیب، اینان سخت مخالف دیپلماسی سکولار هستند و معتقدند آرمان انقلاب اسلامی نمی‌تواند این گونه دیپلماسی را بپذیرد و پذیرش آن، اضمحلال سرطانی کالبد انقلاب اسلامی خواهد بود (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰).

رویکردها و راهکارهای دیپلماسی پیشرفت درونزا

اما قطعاً سوال بنیادین در باره چیستی، الزامات، راهکارها، اقدامات و بایسته‌های دیپلماسی پیشرفت درون‌زا و چگونگی دستیابی و تحقق آن است. باید دقت داشت که تغییرات و تحولات اخیر نظام بین‌الملل و از جمله جریان شتابان جهانی شدن، دیپلماسی سنتی را به ابزاری ناکارآمد و ناکافی برای ارتقا و پیشبرد منافع ملی کشورها تبدیل کرده و با تطبیق شرایط نوین و استفاده از شیوه‌های نو و ابزارهای کارآمدتر از جمله دیپلماسی اقتصادی به عنوان بخشی از مولفه‌های سیاست خارجی موفق در عصر جهانی شدن به ابزار مهم و اساسی دولت‌ها و دیپلمات‌های حرفه‌ای تبدیل شده است. بنابراین در پارادایم فعلی جهان که عصر چیرگی ارتباطات و اطلاعات است، کوشش دولت‌ها برای دستیابی به موقعیت بهتر در اقتصاد ملی و جهانی، مستلزم بهره‌گیری مناسب از فن دیپلماسی برای افزایش و ارتقای فرصت‌ها در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال فناوری، صدور خدمات و گسترش تجارت خارجی است.

طرح برخی از شاخصه‌ها و پدیده‌ها، مانند ایجاد شبکه‌های تامین، تولید و توزیع جهانی، فراگیر شدن شرکتهای چند ملیتی و نظایر آن، ماموریت بسیار مهمی را متوجه دستگاه دیپلماسی کشورها و رایزنی‌های اقتصادی می‌کند، تا در راستای تحقق اهداف کلان اقتصاد ملی، بتواند از تعاملات و مبادلات اقتصادی خارجی برای رفع خلاءهای داخلی اقتصاد، به بهترین وجه بهره‌برداری نموده و ضمن رونق بخشیدن به فضای کسب و کار داخلی، عرصه و مجال مناسبی برای کار آفرینی در عرصه‌های گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آید. از این دیدگاه، اهداف اصلی دیپلماسی اقتصادی را می‌توان در دسترس‌ی به بازارهای جهانی تولید، تجارت و کسب سهمی از آنها، جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیر مستقیم خارجی و نگهداشت اقتصاد ملی در مقابل چالشهای اقتصاد جهانی دانست (موسوی شفقانی، ۱۳۸۸: ۴۲-۳۱).

اما در عین حال پرسش اساس دربارہ چیستی الزامات، راهکارها، اقدامات و بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی کار آفرین و چگونگی دستیابی و تحقق آنها می‌باشد. به ویژه آنکه در شرایط فعلی ملی، که تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های مالی، صادراتی و وارداتی و مبادلات ارزی بر ایران اعمال می‌شود، دیپلماسی پیشرفت درون‌زا در بی‌اثر کردن تحریم‌ها و

گردش اقتصادی کشور، به ویژه گشایش مسیر کارآفرینی در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل موثر و نقش آفرین خواهد بود و به نظر می‌رسد که می‌تواند نتایج چشمگیری را در اختیار تصمیم‌سازان و فرصت‌سازان اقتصادی قرار خواهد داد.

بنابراین از لحاظ مبانی و مفاهیم دیپلماسی پیشرفت درون‌زا، به دیپلماسی اقتصادی، توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی و دیپلماسی کار آفرین مربوط و مرتبط به یکدیگر می‌باشند. این امر به ویژگیهای موثر یک حکمرانی خوب به معنای اخص کلمه مربوط می‌شود. در دیپلماسی پیشرفت درون‌زا به ارتقای سرمایه اجتماعی نیز تاکید بسیار زیادی می‌شود. در همین حال، اگرچه اهمیت روابط با کشورهای پولدار صنعتی نادیده گرفته نمی‌شود، اما دیپلماسی پیشرفت درون‌زا به سایر پتانسیل‌ها و توانایی‌هایی که برای همکاری مشترک سرمایه‌گذاری ایران در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیز سخت اهمیت می‌دهد. دستگاه دیپلماسی موشکافانه به دنبال شناسایی، ایجاد ارتباط، و اجرایی کردن این توانایی‌ها در ژئوپلیتیک بین‌الملل است. بدیهی است که دیپلماسی پیشرفت درون‌زا نیازمند نرم‌آفرینی یا هنجارسازی است که بتواند با مشروعیت و قدرتمندی لازم به ایفای نقش پردازد. این نوع از دیپلماسی باید در زمینه کارآفرینی، ارتقای فعالیتهای علمی و فناوری، پیشرفت صنعت و خدمات موثر و نقش آفرین باشد (Simbar, 2011).

دیپلماسی پیشرفت درون‌زا مبتنی بر یک اقتصاد ریاضتی یا اقتصاد منفعل و تدافعی نیست. این دیپلماسی عمدتاً بر منابع داخلی استوار می‌شود که متشکل از ظرفیتهای نیروی انسانی، دانش موجود در کشور و امکاناتی است که می‌تواند نهایتاً منجر به پیشرفت درون‌زا شود. پایه اصلی پیشبرد دیپلماسی پیشرفت درون‌زا حکمرانی خوب و عدالت محور است. این نوع از اقتصاد صرفاً منحصر و محدود به دوران جنگ نمی‌باشد، بلکه در قدم اول ساخت درونی را تقویت می‌کند و نیاز عمده کشور را به لحاظ محصول و مصرف و اشتغال و کار برآورده می‌سازد، که قدم بعدی آن حرکت به سمت به دست آوردن بازارهای خارجی است. در چرخه دیپلماسی پیشرفت درون‌زا، حلقهات مختلفی از جمله حمایت مردم از تولیدات داخلی، حمایت قدرتمند دولت از صنایع داخلی، تغییر الگوی مصرف و تنزیل مصرف کالا، ایجاد شرکتهای دانش بنیان به بنگاههای تجاری و تولید بیشتر قرار دارد. در چنین مدلی، باید که با تمشیت و تدبیر، برای برون رفت از الگوی اقتصاد تک محصولی

برنامه‌ریزی نمود و قطعاً اقتصاد مبتنی بر فروش نفت یا خام فروشی نمی‌تواند کارآمدی لازم را در چنین نظام اقتصادی داشته باشد. ایجاد ارزش افزوده، هم به رشد اقتصاد داخلی کمک کرده و هم کشور را در برابر کالاهای مصرفی وارداتی بیمه می‌کند و هم سطح اشتغال را در جامعه افزایش می‌دهد (جهانداری، ۱۳۹۴).

ایران قدرتمند در چشم انداز نظام متحول جهانی

به نظر می‌رسد، اگر قدرت هوشمند، یعنی تلفیق مدبرانه قدرت نرم و قدرت سخت، در سیاست خارجی ایران به خوبی برنامه‌ریزی شده و اجرا گردد، قدرت جمهوری اسلامی با مشروعیت اکتسابی، به یک اقتدار منطقه‌ای و حتی جهانی تبدیل می‌شود که می‌تواند میزان نفوذ آن را ارتقا بخشد. در ساختار نظام بین‌الملل، قدرت و افزایش آن در یک بازیگر می‌تواند در میان سایر بازیگران نیز ایجاد تهدید کند؛ به عبارت دیگر، به موازاتی که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، به‌طور طبیعی، به افزایش تمایل دیگران برای محدود کردن، ایجاد توازن و بازدارندگی قدرت آن منجر می‌شود. به عنوان یک نمونه، ایران به‌طور تاریخی و از لحاظ قدرتی از همسایگان خود به‌ویژه همسایگان جنوبی برتر بوده است. بنابراین، همواره افزایش قدرت ایران در آنها اضطراب و نگرانی ایجاد کرده است (Ramazani, 2011).

با مطالعه تاریخ معاصر دیپلماسی ایران متوجه می‌شویم، هرگاه در قدرت ایران تغییرات بارزی به وجود آمده این نگرانی به هراس تبدیل شده است. ایران در حوزه‌های مختلف قدرت، از جمعیت تا مساحت، منابع و موقعیت جغرافیایی دارای توانایی‌های زیادی است که آن را به بازیگری مؤثر در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام تبدیل می‌کند، این پارامترهای قدرتی باعث می‌شود تا این کشور به عنوان یک قدرت هژمون منطقه‌ای مطرح باشد. ایران قرن بیست و یکم در یک موقعیت ژئوپلیتیک استثنایی در یکی از مهمترین و حساسترین نقاط جهان قرار دارد به نحوی که می‌توان مدعی شد، ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی چهارراه دنیای شرق و دنیای غرب است و به این ترتیب با قرار گرفتن در مرکز دنیای سیاست بین‌الملل از نظر ژئوپلیتیک بر جریان عبور انرژی اشراف و نظارت دارد. ایران در مرز میانی دنیای عرفانی شرق و دنیای علمی غرب قرار دارد. به این ترتیب ایران با کسب

یک موقعیت استثنایی ارتباطی، توانایی بازیگری موثر بین‌المللی را دارا می‌باشد (فولر، ۱۳۷۷: ۶۰-۶۶).

ایران فرهنگی نیز یک ایران بسیار ویژه و استثنایی است، ایران حافظ و سعدی، فارابی، ابن سینا، مولوی و زرتشت یک ایران تمدنی و بزرگ و فاخر محسوب می‌شود. ایران هرگز یک مستعمره نبوده است و در منطقه و جهان به عنوان کشوری شناخته می‌شود که دارای سابقه تمدنی و امپراطوری می‌باشد و این سابقه طولانی میراث خوشنام و گرانقدری را برای ایران به وجود آورده است. بسیاری از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، دریای خزر، فرزندان امپراطوری ایران به حساب می‌آمدند که در چند صد سال اخیر مستقل شده‌اند. ایران به خصوص در کشورهای افغانستان، تاجیکستان و هند دارای قدرت نرم زبانی و تمدنی می‌باشد. آداب و رسوم، جشن‌ها، نام‌ها و نمادهای ایرانی، نوروز و مهرگان از سنت‌هایی است که در جهان به رسمیت شناخته شده است. برخی از میراث ایرانی نیز خود را در سیاست نامه‌ها، ادبیات، اندرزنامه‌ها جا داده است که حتی در دوره اسلامی نیز به حیات خود ادامه دادند. زبان فارسی منشور حقوق بشر کوروش، قوانین حمورابی، معماری‌های ایران باستان و سبک اندیشه و کنش سیاسی امپراطوری‌های ایران باستان قدرت نرم ایرانی به حساب می‌آید. برای همین است که اکنون ایران هم در میان فارسی‌زبانان و هم غیر فارسی‌زبانان دارای جایگاه مناسب و ویژه‌ای است (Simbar, 2011).

تفکر و منش شیعی نیز قطعاً یک عامل قدرتی دیگر برای ایران است. فرهنگ شیعی مبانی اختیار، عقلانیت، عدالت و امامت را داراست؛ که باعث می‌شود ایرانیان در برابر مسائل روز با استفاده از روش‌های اجتهادی مصلحت را وارد مسائل اجتماعی سازند و آرمان‌های ذهنی خود را به صورت غیرخشونت‌آمیز، متعادل و مدبرانه دنبال کنند. علاوه بر وجوه شیعی عناصر عرفانی و تاویل‌گرای بسیار حکمتی‌ای نیز وجود دارد که از دوران اسماعیلیان تا ملاصدرا و حتی در زمانه کنونی نیز ایران را دارای جاذبه‌های متفاوتی از معرفت‌های فتوت‌گرا ساخته است. به عنوان مثال روایت‌های ناصر خسرو تا مولوی، حتی حافظ و سعدی دارای ابعاد از قدرت نرم است که راهگشای بسیاری از تنگ‌ناهای بشر معاصر به حساب می‌آید. بعد از یازدهم سپتامبر و حمله کشورهای غربی به خاورمیانه و به خصوص در دهه اول قرن بیست و یکم با فروپاشی کشورهای مستبد و وابسته عربی عنصر شیعی منطقه در

حال پررنگ‌تر شدن می‌باشد. ایران در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و گروه‌های مقاومتی چون حماس و حزب‌الله دارای پتانسیل الگوسازی است (جوادی و اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۰۲).

قدرت اسلام سیاسی نیز مطرح است. تنها ایران است که تجربه اسلام سیاسی دارد و توانسته است با توجه به زندگی پیامبر (ص) و امام علی (ع) شیوه‌های آن‌ها در اعمال کردن و محدود کردن قدرت را عملیاتی سازند. گروه‌های جهادی و تبلیغی در جهان اسلام، از دیوبندی‌ها تا جماعت تبلیغ و اخوان‌المسلمین حتی القاعده هیچ یک نتوانستند تعادلی میان خواسته‌های خود و نیروهای داخلی و خارجی کشورهای اسلامی به دست آورند و اغلب با افراطی‌گری و استراتژی‌های خشونت‌آمیز مسلمان را دچار برچسب‌های تروریستی کرده‌اند. ایرانیان شیوه‌های عدالت، شورا، بیعت، مصلحت، اجتهاد و... را در قالب مردم‌سالاری دینی و سبک جمهوری اسلامی پیاده کردند و اسلام سیاسی را با استفاده از نهادهای رهبری، تشخیص مصلحت، مجلس، شورای نگهبان و... پیاده‌سازی کردند. اکنون ایران به لحاظ داشتن شبکه‌های اجتماعی مدنی، مذهبی و مقاومتی در قالب گروه‌های غیردولتی، بسیج، سپاه و شبکه‌های مساجد و سیستم‌های سیاست‌گذاری شرعی و عرفی الگوی نمونه را ایجاد کرده است که در علم سیاست جهانی نیز علیرغم مشکلات و چالش‌های مربوط به خود، قابل ارائه شدن می‌باشد (سیمبر و زیبایی، ۱۳۸۹).

ایران به‌عنوان مهمترین تولیدکننده نفت از گسترش نفوذ خود در عرصه منطقه‌ای و یا درون سازمان اوپک به انحای مختلف بهره‌برداری کرده است، ایران امروز با داشتن جمعیتی حدود هشتاد و سه میلیون نفر و تولید ناخالص ملی برابر با دویست میلیارد دلار یک کشور با قدرت میانه و مستقل قلمداد می‌شود؛ نرخ امید به زندگی که در ابتدای دهه هفتاد میلادی حدود پنجاه و پنج سال بود، اکنون به حدود هفتادوپنج سال رسیده است. این در حالی است که ایران قدرتمندترین بازیگر خلیج فارس محسوب می‌شود و دارای نقش برجسته‌ای در جهان اسلام است که آن را از لحاظ مشارکت مردمی هم در منطقه و هم در جهان اسلام به کشور نمونه‌ای تبدیل می‌کند. ایران جداً تلاش کرده که با حفظ ارزش‌ها و میراث انقلاب اسلامی، نسبت به اصول اسلامی و شعائر دینی وفادار و پای‌بند باشد و به این ترتیب بتواند گفتمان اسلامی خود را در جهان اسلام تقویت کند. در همین چارچوب در راه توسعه

اقتصادی و با هدف ادغام ایران در نظام بین‌الملل و اقتصاد جهانی تلاش و برنامه‌ریزی دولت، با سختی‌ها و چالش‌های مربوط به خود، ادامه دارد.

با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، اکنون ایران به‌عنوان بازیگر مطرح در منطقه خاورمیانه از شرق مدیترانه تا خلیج فارس نقش‌آفرینی می‌کند. در حوزه خلیج فارس ایران مهمترین کشور از لحاظ استراتژیکی قلمداد می‌شود، که بر تنگه هرمز، گلوگاه نفت جهان دارای سلطه است و در عین حال خاورمیانه را به آسیای مرکزی و آسیای جنوبی پیوند می‌دهد. ضمناً ایران به‌عنوان بزرگترین دولت مبتنی بر نظام دینی، رهبری شیعیان جهان را بر عهده دارد که نفوذ آن در حزب الله لبنان یکی از نمونه‌های بارز قلمداد می‌شود. علاوه بر این پارامترهای قدرتی با سرنگونی رژیم بعث و طالبان در عراق و افغانستان، نفوذ و حضور ایران، به‌طور چشمگیری قابل مشاهده است. باید به این نکته کلیدی دقت داشت که حضور و نفوذ سیاسی و نظامی آمریکا در این کشورها خواهی نخواهی، دیر یا زود، پایان خواهد پذیرفت، اما این ایران است که همواره به‌عنوان همسایه استراتژیک این کشورها در منطقه باقی خواهد ماند.

ایران دارای جایگاه ویژه‌ای در میان بسیاری از کشورهای جنوب و کشورهای اسلامی است، آرمانهای گفتمانی انقلاب اسلامی، امعان نظر قرار دادن منافع کشورهای ضعیف و متوسط در دنیا، مقاومت و جوانمردی ایران در سیاست خارجی بعد از انقلاب اسلامی از محکومیت رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی، تا پشتیبانی از مردم فلسطین، تا راهپیماییهای روز قدس، تا محکومیت رژیم اقتدارگرای کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی سابق، تا محکومیت آمریکا در اشغال عراق و افغانستان، همه و همه نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهد انقلاب اسلامی ایران در ارایه شعارهای انقلابی خود به ویژه نه شرقی و نه غربی بسیار جدی بوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸).

حال در قسمت بعدی این نوشتار، به بحث حکمرانی و اعتماد پرداخته می‌شود و همان طوری که اشاره شد، استنادا به چارچوب نظری این نوشتار که گفتمان انقلاب اسلامی بود، در راستای تحقق یکی از اصلی‌ترین مفصل‌بندی‌های انقلاب اسلامی یعنی تامین عدالت اجتماعی در کنار مردم سالاری دینی و استقلال خواهی این بحث مطرح می‌شود که لازمه ایماژسازی مناسب از ایران در عرصه بین‌المللی و حفظ دستاوردهای سیاست خارجی ایران

که در بالا به آن اشاره رفت، تامین حکمرانی خوب و کسب اعتماد مردم از طریق تامین عدالت اجتماعی، رفع نابرابری‌های ناموجه و تقویت سرمایه اجتماعی از طریق شفاف سازی و مبارزه با فساد می‌باشد.

حکمرانی و اعتماد

نظام تصمیم‌گیری‌های بزرگ یا کلان همان حکمرانی یا حکمروایی می‌باشد که این تصمیمات بر روی آحاد مردم یا اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها دارای تاثیر است. حکمرانی خوب به نوعی عمل می‌کند که اعتماد اکثریت شهروندان جامعه را به دست آورد ولی در مقابل حکمرانی بد، به نحوی عمل می‌کند که باعث نا رضایتی شهروندان می‌شود و اولین چیزی که در این میانه آسیب می‌بیند همانا اعتماد مردم است. محورهای اساسی برای تحقق حکمرانی خوب عبارتند از اثر بخشی، ایجاد برابری فرصت‌ها و برابری در بهره مندی، برخورداری از بیش استراتژیک کارآمد، تامین نظام شفافیت در کنار پاسخ گویی حکومت، اجماع سازی یا ایجاد رویکرد توافق محور در سطح ملی و اعتماد سازی عمودی و افقی محور، به دیگر سخن اعتماد مردم به حکومت و اعتماد مردم به مردم، و تحقق مشارکت حداکثری مردم در امور سیاسی و اجتماعی. اگر اعتماد مردم خدشه ببیند، هم عمود محور و هم افقی محور است، به عبارت دیگر، اعتماد مردم به حکومت در کنار اعتماد مردم به مردم نیز خدشه پیدا می‌نماید. (Lenter, 2005: 29-53)

از مصادیق و نمونه‌های عبرت آموز حکمرانی بد در کشور ما همانا می‌توان به عنوان صرفاً نمونه‌های بارز، به طرح های سد سازی در دهه‌های گذشته در ایران اشاره می‌شود که به تغییر جغرافیای طبیعی و زیست بومی شهروندان در استان‌های گوناگون منجر شد، طرح‌هایی که به نظر می‌رسد که در موارد متعددی بر اساس تمایلات شخصی و با کمترین پشتوانه علمی انجام شدند و میلیاردها دلار هزینه بیهوده و حتی مخرب را به مردم تحمیل نمود. یا عده‌ای بحث می‌کنند که ایده استقلال در کشاورزی کشور، یک آرزوی غیر ممکن است که در یک اقلیم خشک و نیمه خشک ملی با حفر چاه‌های متعدد در اقصی نقاط کشور انجام شد، امری که منابع آبی کشور را تخریب نمود و سپس آثار مخرب زیادی را نیز به وجود آورده است (بصیری، ایسنا، ۱۳۹۷). یا به همین ترتیب با حکمرانی غلط و گسترش

قارچ گونه آموزش عالی و تربیت دانشجو، به شکل دانشگاه‌های خصوصی، دانشگاه‌های غیرانتفاعی، دوره‌های پولی، پردیس‌ها، پیام نور، که از طریق آن‌ها، میلیون‌ها نفر دانش آموخته شدند، بدون اینکه چشم انداز مناسبی برای تامین شغل، بیمه و سلامت آنها به وجود آمده باشد و به اشکال مختلف بر اثر این روند نادرست، بر کیفیت آموزش عالی در کشور ضربه‌های مهلکی وارد شد (گزارش تابناک، تابناک، ۱۳۹۷).

نمونه دیگر از این حکمرانی نادرست در تصمیم حکمرانی مبنی بر انحصارسازی در صنعت خودرو سازی کشور صورت گرفته است، که در آن به شکل‌های گوناگون به خودرو سازان، انحصارها و رانت‌های مختلفی پرداخت می‌شود، بدون اینکه بهبود قابل قبول و چشم‌گیری در صنعت خودروسازی کشور به وجود آید. عملاً با گذشت چهار دهه مدیریت ناصحیح صنعت خودروسازی در کشور، یک صنعت ناکارآمد شکل گرفته است که هر روزه به دلیل کیفیت نامناسب، در حال قربانی گرفتن از جان و مال شهروندان ایرانی است، بدون اینکه کسی در این زمینه پاسخ‌گویی درست و مناسب و شفافی داشته باشد (پارسایی، ایسنا، ۱۳۹۸).

خیلی جالب است بدانیم که هزینه‌های حکمرانی غلط برای شهروندان، به مراتب می‌تواند از حمله نظامی آمریکا نیز بدتر باشد. البته این حرف درستی است که اگر آمریکا حمله کند، هزینه انسانی آن امر غیر قابل جبرانی است، اما باید توجه داشت غیر از این دیگر چه کاری می‌تواند انجام دهد که حکمرانی نادرست در کشور نتواند آن را و بدتر از آن را انجام ندهد. مثلاً اگر آمریکا بخواهد یک یا دو بندر و چند تا پالایشگاه و چند تا پایگاه نظامی ایران را هم منهدم کند باز با ده هزار میلیارد تومان می‌توان همه آن‌ها را از نو دوباره ساخت یا بازسازی کرد. اما توجه داشته باشیم که وقتی دولت ۱۴ میلیارد دلار را به میزان ده هزار تومان زیر قیمت به یک عده خاص به شکل رانتی واگذار می‌کند، یعنی ۱۴۰ هزار میلیارد تومان خسارت وارد کرده است که به مراتب از حمله نظامی آمریکا هم می‌تواند بدتر می‌باشد. این‌ها همه نمونه‌هایی از حکمرانی غلط است که باید صمیمانه و مشفقانه به حکمرانی توصیه کرد که این راه‌های غلط و آزموده شده را دوبار نپیماید (ناظران، داریان، داشته‌های اقتصادی ایران، ۱۳۹۸).

درست است که آمریکا نظام بانکی و صنعت نفت ایران را تحریم کرده است، اما باید توجه داشت که شبکه صرافی کشور را حکمرانی غلط و نادرست ملی به هم ریخته است. درست است که دولت ایالات متحده آمریکا سعی کرده که فرآیند صادرات و واردات ایران را سخت کند، اما باید توجه نمود که کمیاب شدن کاغذ و گوشت و سایر کالاها، کار حکمرانی بد و مدیریت غلط اقتصادی است. باز به عنوان نمونه زمان بر شدن ترخیص از گمرک که از آثار تحریم یا سیاست های تهدید دولت آمریکا نمی‌باشد. فرماندهی سنتکام آمریکا می‌تواند با حمله موشکی خود چند هزار میلیارد تومان به زیر ساخت‌های کشور و تجهیزات آن خسارت وارد کند و حتی آنها را نابود کند اما به نظر می‌رسد، یک سری فرماندهان ویژه اقتصادی در کشور هستند که صرفاً فقط با یکی دو سیاست غلط اقتصادی می‌توانند در یک سال میلیاردها تومان خسارت وارد نمایند. پس می‌توان نتیجه گرفت که آثار منفی حکمرانی نادرست بدتر از تحریم‌هاست و اگر حکمرانی هنر خود تصحیحی داشته باشد، قطعاً قدرت داخلی ایران، پشتوانه یک سیاست خارجی مقتدرانه خواهد بود که اثر تحریم‌ها را به مراتب کمتر خواهد کرد و ایران کمتر به این راحتی تحریم می‌شد (ناظران، دارایان، داشته‌های اقتصادی ایران، ۱۳۹۸).

اگر چه عملکرد دولت آمریکا در زمینه سیاست خارجی سلطه‌گرایانه‌اش قابل دفاع نیست، ولی حکمرانی داخلی آن آموزنده است و می‌توان از آن درس‌های عبرت آموزی در خصوص حکمرانی ملی در ایران گرفت. دولت آمریکا بدهی دقیق خود را تا آن سنت آخرش در هر روز اعلام می‌کند، اما در مورد بدهی دولت ایران هیچ جزئیاتی، مشخص نمی‌باشد، بلکه در مورد حدود بدهی‌ها هم دعوا وجود دارد. یعنی حدود بدهی‌های دولت ایران شفاف نیستند. یا خزانه داری آمریکا هر روز گزارشی منتشر می‌کند که منابع بودجه، و نحوه تخصیص آنها و مقادیر ارایه بودجه به نهادهای مختلف را در آن روز دقیقاً معلوم می‌کند، اما در دولت ایرانی یک گزارش ماهانه هم وجود ندارد که بتوان فهمید پول‌ها از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. گزارش انواع صندوق‌ها در آمریکا خیلی شفاف است، ولی در ایران اصلاً این طور نمی‌باشد. هیات امنای صندوق بازنشستگی آمریکا هر ساله یک گزارش مبسوط از عمل کرد سالیانه ارایه نموده و طی آن وضعیت صندوق را در سال فراسو ارایه می‌نماید، اما در ایران، اصلاً گزارش مشابهی قابل مشاهده نمی‌باشد و هیچ یک از

صندوق‌های عمومی عمل مشابهی را انجام نمی‌دهند و به نظر می‌رسد که بیشتر اسناد مهر محرمانه خورده که باعث می‌شود شفاف سازی لازم در حکمرانی صورت نپذیرد. به عبارت دیگر طبقه‌بندی اسناد که قرار بود در خدمت امنیت ملی شهروندان باشد در خدمت حفظ امنیت رانتی عده‌ای خاص قرار می‌گیرد که قطعاً فرصت‌های توانمندی ملی را در نتیجه کاهش خواهد داد (ناظران، مجمع فعالان اقتصادی، ۱۳۹۷).

باز به شکل مشابه بانک مرکزی آمریکا هر پنجشنبه، ترازنامه روز گذشته بانک را منتشر می‌کند تا مشخص بشود که مولفه‌های پولی، از جمله پایه پولی به چه میزان تغییر کرده‌اند. در مقابل بانک مرکزی ایران ماهی یک بار این گزارش را منتشر می‌کند، آن هم با شش تا ده هفته تاخیر که خیلی اطلاعات کارآمدی لازم را دیگر نمی‌تواند دارا باشند. بانک مرکزی در آمریکا در سایت خود چند هزار شاخص مربوط به نرخ بهره و نرخ بیکاری تا نرخ تورم و دستمزدها را منتشر می‌کند آن هم به شکل روزانه و هفتگی که تازگی خود را همیشه داراست و به خوبی و کار آمدی می‌تواند قابل استفاده و بهره‌برداری باشد، اما در ایران یک صدم این شاخص‌ها هم منتشر نمی‌شود، ارایه داده‌ها فصلی یا سالانه هستند و هیچ داده ماهانه یا هفتگی نیز مشاهده نمی‌شود.

به این ترتیب در ایران، مسایل پولی، مالی، اقتصادی دولت در یک جعبه در بسته و غیر شفاف قرار می‌گیرد که هر وقت خواستند آن را باز می‌کنند و موضوعات مربوط به دولتی‌ها که عموماً شفاف‌سازی نمی‌شود و درها گشوده نمی‌شوند که مردم به اطلاعات دست پیدا کنند، تا قضاوت بهتری را نسبت به عملکرد دولت به دست آورند. به همین شکل بودجه و شفاف سازی، و ارایه تحلیل مناسب از آن نیز دارای اهمیت زیادی می‌باشد. به دیگر سخن از تحلیل بودجه می‌توان ارزیابی‌های مهم و مفیدی درباره سیاست‌گذاری عمومی کشور به دست آورد. اما وقتی عملکرد دولت در یک جعبه پنهان می‌شود، معلوم نیست که این بودجه چه میزان کسری دارد، در طول زمان چه میزان بدهی تجمیع کرده است، و هر روز چه میزان پول می‌آید و می‌رود (ناظران، مجمع فعالان اقتصادی، ۱۳۹۷).

در نمونه دیگری می‌توان به امارات متحده عربی اشاره کرد. حدود پنجاه سال پیش هنگامی که شیخ راشد حاکم وقت دبی اعلام کرد که یک خبر خوب و یک خبر بد دارد همه به آن دقت کردند، خبر خوب اکتشاف نفت و خبر بد کم بودن منابع آن بود. از همان زمان

حاکمان دبی بر روی طلای سیاه حسابی باز نکرده و به فکر درآمدهای جایگزین افتادند، فرآیندی که امروز باعث شده که نفت تنها حدود یک در صد از تولید ناخالص داخلی دبی را تامین می‌کند. به نظر می‌رسد که راز آبادانی و ثروتمندی دبی مرهون نیروهای محرکه غیر نفتی می‌باشد. اول تجارت دریایی است که مهم‌ترین منابع درآمدی دبی می‌باشد که مرکز فعالیت‌های پر رونق کشتی‌رانی است. دویی که زمانی شهر ماهیگیران بود اکنون بندر جبل علی آن شلوغ‌ترین و پر رفت و آمدترین بندر کشتیرانی خاورمیانه محسوب می‌شود که عملاً قطب یا هاب تجاری منطقه و جهان قلمداد می‌گردد و به نوعی ارزشمندترین دارایی تجاری امارات متحده عربی می‌باشد. دلیل موفقیت چشمگیر این بندر، قرار گرفتن آن در منطقه آزاد جبل علی یا جفزا می‌باشد.

جفزا به مساحت ۵۷ کیلومتر مربع، وسیع‌ترین منطقه اقتصادی جهان و مهم‌ترین منطقه از میان بیش از بیست منطقه آزادی است که حکومت این ایالت آن‌ها را به وجود آورده است. مرکز گل دبی، منطقه مد و طراحی لباس دبی، منطقه آزاد فرودگاهی، منطقه آزاد سلامت، آبادی سیلیکون دبی، مرکز مالی بین‌المللی دبی، شهر نساجی دبی، پارک علم دویی، منطقه بین‌المللی تولیدات رسانه‌ای دبی، شهر لجستیک دبی، شهر اینترنت دبی، شهر دریایی دبی، پارک طلا و الماس دبی، و سایر موارد همه از جمله این مناطق مهم آزاد محسوب می‌شوند. همه این مناطق با ارایه معافیت‌های مالیاتی صد در صدی، مزایای گمرکی و برداشتن محدودیت مالکیت‌های خارجی‌ها زیر نظر یک نهاد حاکمیتی مستقل که توانسته بوروکراسی را ساده کند، موفق شده‌اند سرمایه‌های هنگفتی را از بازارهای بین‌المللی جذب کنند. جفزا با هفت هزار شرکت که از میان آن‌ها صد شرکت از پانصد شرکت جهانی چون فرچون حضور دارند.

امارات از لحاظ تعداد مهاجران، ششمین کشور جهان بوده که جالب است بدانیم هشتاد درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهد. عمده این مهاجران، کارگران ساختمانی از جنوب آسیا بوده که با وجود اصلاحات قانونی سال ۲۰۱۷ مبنی بر اعطای یک ماه تعطیلات سالانه با حقوق، یک روز تعطیلی در هفته، بیمه و انعقاد قرارداد کاری، کماکان به دلیل دستمزد پایین برای امارات و دبی برای تبدیل شدن به مناطق مدرن جهانی یک مزیت رقابتی محسوب می‌شوند. با میزبانی از ۲۰۰۳ شرکت که ۴۹۳ تایی آن‌ها از مهم‌ترین شرکت‌های جهانی



هستند، دویی عملاً به مرکز مالی بین‌المللی تبدیل شده است و توانسته که خود را به عنوان یک هاب مالی برای مناطق خاورمیانه، آفریقا و جنوب آسیا با تولید ناخالص داخلی ۷/۷ تریلیون دلاری تبدیل نماید. این مرکز که برای خود نهاد قانونگزاری، مقرراتی و حقوقی بین‌المللی و مستقل داشته و از نظام حقوق عمومی تبعیت می‌کند، دارای بورس مالی، جهانی و رژیم مالیاتی جذاب صفر درصدی بر درآمد و منافع است که شرکت‌های مالی بین‌المللی بدون نیاز بهداشتن شریک محلی و نیز با حق مالکیت صد در صدی می‌توانند از این زیر ساخت‌ها حداکثر بهره‌مندی را داشته باشند.

در کنار این‌ها، امارات هر ساله پذیرای ۱۵ میلیون جهانگرد در سال گذشته که عمدتاً از مسیر فرودگاه بین‌المللی دبی عبور کرده‌اند یک درآمد سی میلیارد دلاری را کسب کند حمل ۸۸۲ میلیون مسافر و ۲/۶ میلیون تن بار طی ۴۲۰ هزار پرواز بین‌المللی درآمد ۲۷ میلیارد دلاری را نصیب فرودگاه بین‌المللی دبی کرده است. نکته حایز اهمیتی که در این میان برای حکمرانی ایرانی مهم می‌باشد این است که دویی از نفت که سهم آن در تولید ناخالص داخلی ناچیز است تنها یک استفاده کرده و می‌کند و آن هم توسعه زیر ساخت‌های تجاری، مالی و جهان‌گردی و همچنین فراهم آوردن فضای مناسب محیط کسب و کار بین‌المللی می‌باشد (زینت بخش، مجمع فعالان اقتصادی، ۱۳۹۷).

اما باید توجه داشت که نوع سیاست خارجی امارات یک بیرون‌گرایی کامل است که حتی امنیت خود را خریداری می‌کند و بنابراین مقایسه و تطبیق دو کشور ایران و امارات باید، با دقت زیادی انجام شود. در حکمرانی خوب مورد بحث ما در این نوشتار، بیرون‌گرایی سیاست خارجی به ویژه در ابعاد دیپلماسی اقتصادی در چارچوبه گفت‌وگویی و هویتی انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد و با استناد به گفت‌وگومان انقلاب اسلامی، هویت دینی، استقلال خواهی در سیاست خارجی، از شاخصه‌ها و دستاوردهای اصلی جمهوری اسلامی است. ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، و برخورداری آن از پارامترهای قدرتی متنوع، عوامل دیگری هستند که اماراتی‌ها آن‌ها را دارا نیستند. نکته این است که حکمرانی داخلی ایران، در تامین و تحقق حکمرانی خوب می‌تواند در زمینه‌های خاصی از سایر حکمرانی‌ها مانند نمونه امارات استفاده کند. به این ترتیب، دو بال حکمرانی و سیاست خارجی یکدیگر را تکمیل می‌کنند، به نحوی که پایه‌پای اقتدار گرایی و استقلال‌خواهی در سیاست خارجی،

حکمرانی خوب پایه‌های قدرت نرم و مشروعیت را بالا می‌برد. اصلاً نقل حکایت دویی به معنای تطبیق و بهره‌برداری صد در صد نمی‌باشد، اما قطعاً به شکل موردی می‌توان از تجارب این گونه کشورها استفاده نمود. به عنوان نمونه در همین مطالعه موردی دبی، شاهدیم که آن‌ها چگونه مناطق آزاد خود را مدیریت کرده‌اند ولی اگر به مناطق آزاد خودمان نگاه کنیم، دقیقاً برعکس فلسفه وجودی تشکیل‌شان عمل می‌کنند و به جای اینکه محل تولید و صادرات باشند به محل واردات عمدتاً کالاهای نامرغوب چینی شده‌اند (گزارش تسنیم، خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸).

کارآمدی حکمرانی و اعتماد

شاید بتوان گفت که کارآمدی دولت و حکمرانی خوب، مهم‌ترین اولویت برای شهروندان ایرانی است که می‌تواند اعتماد را به آن‌ها بازگرداند و تقویت کند و در عین حال با ثبات و توسعه کشور راه برای اقتدار هر چه بیشتر ایران در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی باز شود. اگر امارات را با پاکستان مقایسه کنیم، ظاهراً پاکستان نسبت به امارات از لحاظ دموکراتیک بسیار مدرن‌تر باشد و عملاً همه زیر ساخت‌های دموکراتیک را نیز دارا می‌باشد، اما مردم امارات خیلی شادتر و راضی‌تر از حکومت خودشان هستند. دلیل اصلی این امر و رمز این شادی نهفته در کارآمدی حکمرانی است که در آن حکومتی فردی و عقل‌گرا با تمسیت و تدبیر مسایل را به جلو می‌برد. آزادی‌های اجتماعی، تجارت آزاد، ارتباطات بین‌المللی عالی و بی‌نظیر، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تکریم مناسب شهروندان، سیستم قضایی با کیفیت و کارآمد، باعث شده تا مردم امارات احساس رفاه و شادمانی بکنند.

امروز در ایران نیز مردم هر چه بیشتر به دنبال حکمرانی خوب هستند. حکومتی که دارای کارآمدی باشد. ایرانیان تشنه تعامل، پیشرفت و زندگی هستند. ناکارآمدی، نقطه ضعف اصلی حکمرانی در ایران است، نقطه ضعف جدی آن محسوب می‌شود. ناتوانی و ضعف حکمرانی در مهار و مدیریت مشکلات معیشتی مردم و ارایه راه حل کارآمد و مناسب برای آن‌ها این باور را در مردم ایجاد می‌کند که دولت از حل مسایل و تامین منافع مالی عاجز و ناتوان است. اصرار بر تمرکز اولویت‌های خود خواسته حکمرانی در زمینه‌های فکری و فرهنگی و قبول تبعات و نتایج سنگین اقتصادی برای آن‌ها، مردم را می‌تواند به این



نتیجه برساند که حکمرانی خود مولد و موجد بحران و مشکلات ملی می‌باشد. کسی که بتواند کارآمدی را به مردم و شهروندان ایرانی عرضه کند برنده بازار سیاست نیز خواهد بود. عدالت محوری یکی از ارکان حکمرانی در کشور است و به معنای اولویت کار اقتصادی در راستای ایجاد برابری فرصت‌های اجتماعی برای آحاد توده‌های مردم است. باید تلاش شود تا بر اساس ادعاها و الزامات گفتمانی انقلاب اسلامی، نسبت به حل مسایل معیشتی و مشکلات اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی مردم اقدام شود و باید که تلاش شایسته‌ای صورت بگیرد که مردم نسبت به اثر بخشی این راه ایمان پیدا کنند. از این دریچه نظر، بالا بردن حداکثری مطلوبیت و تامین سود هر چه بیشتر برای تولید کننده قابل قبول نیست. بالا بردن میزان مصرف‌گرایی هدف عالی و غایی نیست، بلکه پرهیز از اسراف و تبذیر، توجه ویژه به محرومان و تامین عدالت اجتماعی مطرح می‌باشد. در این راستا مدیران اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران باید به دنبال تامین نظر و توجه دقیق به راه‌کارهایی باشند که سرمایه‌گذاری آحاد مردم در اقتصاد صورت پذیرد و نه اینکه اقتصاد دلال محور و پول محور، مرکز تفکر حکمرانی قلمداد گردد. دولت عدالت محور بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی دولت رفاه و ایجاد برابری فرصتها و توزیع عادلانه ثروت در کشور است. باید در مقابل رانت اطلاعاتی مقاومت کند، به اصلاح ساختاری نظام بانکی پردازد، برابری قانونی و برابری فرصتها را با یکدیگر بیامیزد و از تجمل‌گرایی و اسراف سخت پرهیز کند.

محرومیت‌زدایی و مبارزه با فقر و بیکاری ترجمان اصلی عدالت محوری در شیوه حکمرانی خوب است. این امر با وجود نظام‌های حمایتی فعال مانند سیستم‌های بیمه‌ای مناسب، تحرک در اقتصاد داخلی و حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی متحقق می‌شود. در همین مجموعه تعاملات دانش بنیان با دنیا حایز اهمیت است که با افزایش واردات دانش فنی متحقق می‌شود. همه این‌ها با بهبود فضای کسب و کار، توسعه تجارت با کشورهای دوست در منطقه، برخورداری از روحیه فعال و تفکر هوشمندانه و اقتصادی در دیپلماسی و سیاست خارجی و همچنین با کاهش هزینه‌های دولت به وسیله چابک‌سازی و کوچک‌سازی آن امکان پذیر می‌گردد.

اصلی‌ترین دغدغه‌های مردم امروز در ایران جنبه معیشتی و اقتصادی دارد که قطعاً اصلی‌ترین آن موضوع اشتغال و رفع بیکاری است. ایجاد برابری فرصتها، رفع فقر و

نابرابری، تامین مسکن ارزان قیمت به نحوی که آحاد مردم بتوانند از آن بهره‌مند بشوند، از دل‌نگرانی‌های اصلی محسوب می‌شود. بی‌سابقه‌ترین، مهلک‌ترین و اسف‌بارترین رکود سال‌های اخیر بر ملت ایران و بخش اقتصادی و پولی و تجاری کشور تحمیل شده است که عمده هزینه آن را متاسفانه باز مردم عادی ایران در همه قشرهای آسیب‌پذیر پرداخت می‌کنند. این اقتصاد مریض است و فرمول‌های غلط اقتصادی در دوره‌های مختلف گذشته آن را بیمارتر نیز کرده است و فرمول‌های اقتصادی دولت حاضر نیز تاکنون نتوانسته است که مردم را از مشکل پیچیده اقتصادی کشور برهاند و عموم مردم از وضعیت اقتصادی راضی نبوده‌اند. حتی قشر دانشگاهی و فرهیخته از کمی دستمزدها و عدم برابری هزینه و در آمد به شدت شاکی هستند و خواهان تحول در این زمینه می‌باشند.

طرح تحول سلامت و ارایه خدمات درمانی به آحاد مردم و تقویت بخش دولتی خدمات‌رسانی، یکی دیگر از دغدغه‌های اصلی در زمینه تامین عدالت اجتماعی است. ارایه بیمه همگانی درمانی به شکل کارآمد و موثر یکی از مطالبات مردم است. اما متاسفانه ناکارآمدی و نارضایتی بسیار زیادی در این خصوص وجود دارد. تقویت بخش خصوصی در عرصه بیمارستانی و هزینه‌های گزافی که سیستم درمانی بخش خصوصی به اکثریت مردم تحمیل می‌کند وضعیت قابل قبولی نیست. دولت باید برای تقویت بخش عمومی در عرصه درمان و بهداشت و بیمارستانی همت بسیار زیادی داشته باشد. هزینه‌های بسیار زیاد جراحی و بستری شدن در بخش خصوصی در توان بسیاری از توده‌های مردم نیست و وقتی هم که بخش دولتی بیمارستانی مراجعه می‌کنند با ترافیک بسیار زیاد و خدمات بی‌کیفیت مواجه هستند. طرح سلامت کشور باید توده‌های مردم را در نظر بگیرد و بداند که تقویت بخش خصوصی به نارضایتی هر چه بیشتر مردم منتهی خواهد شد (سلطانی، ۱۳۹۷).

بحران کنش جمعی و بخش عمومی در خصوص حوزه محیط زیست یکی دیگر از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم در عرصه سیاست‌گذاری عمومی می‌باشد که شاید یکی از مهم‌ترین ترجمان‌های آن چالش ریزگردها به ویژه در برخی از استان‌های کشور است. ناکارآمدی دولت‌های مختلف در دهه‌های گذشته در این زمینه نارضایتی‌های بسیار زیادی را به وجود آورد و انعکاس زیادی را در رسانه‌های عمومی شکل داد، به ویژه اینکه این موضوع با وعده‌های انجام نشده دولت‌های گوناگون مقارن گردید. محیط زیست و توسعه پایدار از



جنس نسل سوم حقوق بشر و از مسلمات و بدیهیات حقوق شهروندی تلقی می‌شوند. در همین حیطه بحران کمبود آب در دهه پیش روی ایران یکی از معضلات و چالش‌های جدی و هراسناک ایرانیان قلمداد می‌گردد که متأسفانه مدیریت بحران آب در دهه‌های گذشته در کشور به هیچ وجه قابل قبول نیست.

بنابراین بحران ریزگردها، بحران تامین آب، بحران آلودگی هوا به ویژه در کلان شهرها، تخریب منابع خاک، تخریب تنوع زیستی، مسایل جنگل‌ها و گونه‌های زیست‌جانوری، بی‌توجهی به مدیریت محیط زیست پایدار، پیامدهای تغییرات اقلیمی در عرصه ملی، ضرورت بهره‌وری انرژی و توجه به انرژی‌های نو، ناکارآمدی مدیریت بازیافت و مسایل ناشی از انبوه زباله‌ها، بحران کنش جمعی در حوزه محیط زیست، مهم‌ترین موضوعاتی هستند که در صدر مطالبات شهروندان ایرانی قرار دارد. قطعاً مشکلات عدیده‌ای در ناوگان حمل و نقل کشوری ما به خصوص از نظر زیرساخت‌ها وجود دارد، ولی مطالبه اصلی مردم این است که بودجه‌ها عمدتاً به سمت و سوی در این خصوص برود که مشکل اکثریت مردم ایران را حل بکند و کالا به حمل و نقل عمومی کشور و دسترسی سالم، ایمن و سریع در جاده‌ها که متأسفانه هر سال تلفات زیادی در این باره داریم، پرداخته شود.

شفاف‌سازی اولین و بهترین و مهم‌ترین راه کار اقتصادی حکم در زمینه سیاست‌گذاری عمومی جهت برون رفت از مشکلات فعلی است. صنعت، تجارت، واردات و صادرات، نفت و پتروشیمی، گمرکات، سیاست‌های ارزی بانک مرکزی همه و همه نیازمند اتاق‌های شیشه‌ای هستند، واگذاری‌های واردات و صادرات، ورود و خروج کالاها، مزایده‌ها و مناقصه‌ها و سایر امور مشابه باید که به طور شفاف و به شکل رسمی شفاف‌سازی شده و به اطلاع همه شهروندان ایرانی رسانده شود و این اولین قدم برای تحقق حقوق شهروندی ابلاغ شده است.

یکی از نمونه‌های نیاز مبرم به بازسازی، لزوم اصلاح ساختاری در سیستم بانکی کشور است. ربایی که بانک‌های کشور می‌دهند در سال گذشته، سه برابر میزان کل دستمزدهایی است که پرداخت شده است. به عبارت دیگر در این نظام و شاید بی‌نظامی اقتصادی سال آینده باید چهار صد هزار میلیارد تومان سود بانکی پرداخت شود و میزان وامی که به صنایع داده شده تنها سی درصد است و بقیه در دلالتی و سفته بازی خرج شده است که حال بد این

اقتصاد مریض و فاسد را بدتر کرده است. صنایع رانتی و خصوصیتی ترویج یافته‌اند و گروه‌های رانتی که به نظر می‌رسد، حکمرانی بد، اصلی‌ترین تامین کننده منافع آن‌ها هستند، تقویت شده‌اند به نحوی که عمده صنایع کشور کار محور نیستند و اشتغال به وجود نیاورده‌اند و در نتیجه مشکل بیکاری در جامعه و در میان خانوارها و به ویژه تحصیل کردگان غوغا می‌کند و باعث انحطاط و سرخوردگی اجتماعی شده است (راغفر و جاودانی، ۱۳۸۶).

به عنوان نمونه اگر فقط نگاهی اجمالی فقط به اقلام اصلی صادرات ایران داشته باشیم مانند نفت گاز، فرآورده‌های نفتی، آهن و فولاد، عمدتاً یا منابع هستند و یا رانت منابع می‌باشند. آمار سال گذشته صادرات غیر نفتی ایران نیز عبارتند از میعانات گازی، گاز طبیعی مایع، متانول، روغن نفتی، پسته، گاز بوتان، گاز مایع که نمی‌توان اطلاق صادرات کار محور یا دانش محور را به آن‌ها اطلاق کرد و باید توجه داشته باشیم که نود و پنج درصد آن مواد خام می‌باشند. این در حالی است که باید توجه داشت بسیاری از صادرات ملی، امحاکننده منابع آبی می‌باشند و خطرات و چالش‌های زیست محیطی در کشور را دامن می‌زنند. مثلاً از فکاهی‌ترین و اما تلخ‌ترین نمونه‌های صادراتی هندوانه است که ایران دارای رتبه اول جهانی است، آن هم در حالی که شدیداً مشکل آب دارد و هندوانه به شدت آب بر است. یا پسته نیز همین طور که باعث نابودی عمده منابع آبی در دامغان، کرمان، رفسنجان شده است. می‌توان گفت که با رانت آب و انرژی ارزان صادرات انجام می‌شود و بعد هم تاکید می‌گردد که رقم صادرات هم بالا رفته است. در حالی که اگر منصفانه نگاه کنیم اصلاً صادراتی وجود ندارد و اقلام متعدد صادراتی، مخرب منابع آبی خود نیز بوده‌اند و سهم بخش صنعتی و دانش بنیان و کار محور ایران نیز نزدیک به صفر بوده است (راغفر، ۱۳۹۷).

تا مدتی پیش اقتصاد ایران با اروپا و شرق آسیا مقایسه می‌شد، ولی امروز کار به جایی کشیده است که باید اقتصاد ایران را با قاره آفریقا مقایسه نمود که این قطعاً یک فاجعه است و باید هر چه سریعتر جلوی آن را به وسیله یک تیم اقتصادی خیره و کارشناس گرفت. هزینه عملیات کشاوری نباید به معنای تخریب و از بین بردن یا امحای منابع آبی کشور باشد، به عبارت دیگر در صادرات پتروشیمی و حتی کشاورزی، اقتصاد ایران در حال فروش ثروتهایش است تا بتواند ارز به دست بیاورد. مانند صاحب خانه‌ای که وسایل خانه و اسباب زندگی خود را به فروش برساند تا بتواند زندگی خود را تامین کند، امری که قطعاً به



روزهای سیاهی و تباهی منجر خواهد شد. متأسفانه دردناک‌تر این است که سهم درآمد حاصله از این فروش یغماگرایانه نیز به همه افراد و اعضای خانواده به شکل یکسان قرار نمی‌گیرد و فقط تعداد محدودی از این مزایا به شدت محظوظ می‌شوند که باعث می‌شود تا هر چه بیشتر به ناعدالتی اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی دامن زده شود، امری که نهایتاً به بی‌اعتمادی و نابودی سرمایه اجتماعی منتهی خواهد شد. صنایع فولاد نیز عمدتاً به همین شکل است که به شدت صنعتی انرژی بر است. صنعتی که در آن برق ارزان، و آب ارزان و غیره واگذار می‌شود و این واگذاری نیز به شدت متهم به رانت فساد آور است تا صادرات تحقق پیدا کند و معلوم نیست که ارزش بازگشت داده شده به کشور به چه کسانی و چگونه تعلق می‌گیرد، ارزش و درآمدی که متعلق به همه ایرانیان است (سلطانی، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

از لحاظ هویتی و تمدنی، ایران اکنون بدیلی فاخر و استثنایی برای تمدن غربی می‌باشد. اگر مدیران بتوانند این گفتمان تمدنی را تقویت نمود، احتمال جایگزینی تمدنی نیز به وجود خواهد آمد. دولت و مردم، دانشمندان و فرهیختگان ایرانی باید به این ظرفیت بالای تمدنی ایمان بیاورند و برای تحقق آن مجدانه بکوشند. به عبارت دیگر این منزلت و این جایگاه باید به خوبی شناخته شده و برای آن نقشه راه تهیه شود. قطعاً کشور نیازمند برنامه‌ریزی عملیاتی برای بهره‌برداری از این پتانسیل‌های گوناگون می‌باشد. یکی از این موضوعات، ارتقای جایگاه علم و فناوری ایران است که در این میان نخبگان علمی و دانشگاهی حائز اهمیت زیادی هستند و به خوبی باید نقش آفرینی کنند. دانشگاهها و مجامع علمی نباید حتی ثانیه‌ای وقت را از دست بدهند و شایسته است که با تدبیر و با دوری از شعار زدگی راه را برای به پیش بردن اهداف علمی کشور باز نمایند. در این راستا سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌ها بسیار حایز اهمیت می‌باشد.

به نظر می‌رسد که ایران با هویت مستقل ملی و اسلامی خود اکنون علیرغم تبلیغات منفی، معتدلترین و فعالترین بازیگر در میان کشورهای اسلامی به طور اخص و کشورهای در حال توسعه به طور اعم شناخته می‌شود. اما نکته این است که حرکت دیپلماتیک ایران در عرصه استقلال طلبی، کسب هویت و مبارزه با نظام ناعادلانه هژمون در عرصه روابط

بین‌الملل، شایسته تقارن در عرصه ملی و حکمرانی داخلی است. به دیگر سخن، اگر ایران می‌خواهد که در نظام بین‌الملل پارادایم گفتمانی انقلاب اسلامی را به پیش ببرد، حتماً باید به مولفه‌های پیش نیاز این امر در عرصه سیاست‌گذاری ملی نیز امعان نظر جدی داشته باشد.

حکمرانی داخلی مزید بخش اعتماد عمومی است و اعتماد عمومی ارتقا بخش هویت ملی و ثبات سیاسی و اقتصادی است. بی‌اعتمادی موجب بی‌ثباتی و بحران هویت و مشروعیت خواهد بود. بی‌اعتمادی دو سویه نیز شرایط را بدتر می‌کند، یعنی بحران اعتماد مردم به حکومت و بحران اعتماد مردم به مردم، باعث می‌شود که ایماژ ایران در صحنه‌های بین‌المللی نیز آسیب ببیند. بنابراین اگر ایران به دنبال تقویت تصویرسازی مناسب از خود در نظام بین‌الملل است، باید که با استفاده از قدرت هوشمند، یعنی ترکیبی از عوامل قدرت نرم و سخت به ایماژسازی مناسب بپردازد. این تصویرسازی در عین حالی که به یک دیپلماسی فعال خارجی نیازمند است اما در عین حال شدیداً به نظام حکمرانی ملی نیز وابسته است.

این نوشتار نخواست که به همه ابعاد حکمرانی بپردازد، بنابراین نقطه عطف اساسی آن بحث تامین عدالت اجتماعی و رفع نابرابری‌های ناموجه، شفاف‌سازی و کارآمدی در نظام بود. البته که حکمرانی دارای ابعاد سیاسی و مدنی دیگری است که مجال بحث آن در این مقاله نبود ولی لازم است که به عنوان مکمل این بحث مورد نظر این مولفین و یا سایر پژوهش‌گران و اندیشمندان قرار گیرد. کارآمدی حکمرانی در تامین عدالت اجتماعی و رفع نابرابری‌های ناموجه می‌تواند افزایش بخش قدرت نرم جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل باشد و هر گونه خلل در آن نیز به نوبه خود به این تصویرگری ضربه خواهد زد. این تصویرگری دو بال دارد، یکی تامین سیاست خارجی فعال در زمینه ایماژهایی که گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آورد و دوم، تامین حکمرانی خوب که برخی مولفه‌های مرتبط در زمینه تامین عدالت اجتماعی و ارتباط آن با قدرت نرم و حکمرانی خوب در این جا مورد بحث قرار گرفت و قطعاً سایر ابعاد حکمرانی نیز در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، حقوقی و مدنی نیز از پیش نیازهای موفقیت آرمان‌های گفتمانی انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی می‌باشد.

منابع

- امرائی حمزه (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر و اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۱)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط عمومی ایران و کشورهای فارسی زبان»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۳، پاییز، صص ۹۷-۱۱۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، انتظار بشر از دین، تنظیم محمدرضا مصطفی‌پور، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، سیاست خارجی ج.ا.ا در پرتو تحولات منطقه‌ای، تهران: وزارت امور خارجه.
- حشمت‌زاده، محمد باقر، و امیر محمد حاجی یوسفی و محمد علی طالبی (۱۳۹۶)، «جستارهای سیاسی معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره اول، بهار، صص ۱-۲۴.
- خادم‌علیزاده، امیر (۱۳۹۸)، «واکاوی جایگاه و مولفه‌های اقتصاد بخش عمومی در رشد و تعالی تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه علمی و ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲۱، بهار، صص ۷-۲۴.
- خانی، محمد حسن (۱۳۹۵)، «الزامات سیاست خارجی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، دو فصلنامه علمی و پژوهشی دانش سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۶۱-۷۳.
- درخشه، جلال، و مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، «دیپلماسی جمهوری اسلامی در جهان اسلام: فرصت‌ها و اقدامات و اولویت‌ها و دستاوردها»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۱۶.
- دشتی، محمد (۱۳۸۱)، ترجمه نهج البلاغه، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر مومنان (ع).
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.

راغفر، حسین و حمید جاودانی (۱۳۸۶)، **گفتاری در باب نابرابری**، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت برنامه‌ریزی.

راغفر، حسین (۱۳۹۷)، با مافیای قدرت و ثروت مقابله کنید: نامه ۵۰ اقتصاد دان برای برون رفت از مشکلات کنونی، روزنامه اعتماد، شماره ۱۹۸، ۱۱ مهر.

راغفر، حسین و احسان سلطانی (۱۳۹۷)، بحران بانکی و فساد بانک‌های خصوصی، داریان: داشته‌های اقتصاد ایران، پنج‌شنبه ۱۳ دی ۱۳۹۷.

زمانی محجوب، حبیب (۱۳۹۰)، «نوسازی تمدن اسلامی»، نشریه تاریخ در آینه پژوهش، سال هشتم، شمار اول بهار، صص ۱۱۷-۱۳۵.

سردار نیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب»، **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۲۹۵ و ۲۶۰، صص ۱۴۵-۱۳۲.

سلطانی، احسان (۱۳۹۷)، **فریب‌های بزرگ برای غارت‌های بزرگ**، داریان: داشته‌های اقتصاد ایران، چهارشنبه، اول اسفند.

سلیمان‌پور، علی و اکبری، امیر (۱۳۹۴)، «بررسی نظام تمدن‌سازی اسلامی در قرآن کریم با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان»، **نشریه مشکوه**، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۱-۳۰.

سیمبر، رضا و قربانی، ارسلان (۱۳۸۷)، **روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.

سیمبر، رضا و قربانی، ارسلان (۱۳۸۸)، **اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل: رهیافت‌ها و رویکردها**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

سیمبر، رضا و زیبایی، مهدی (۱۳۸۹)، **میان‌روی یا افراط؟ مطالعه موردی بررسی اسلام سیاسی از منظر حزب الله لبنان**، همایش بین‌المللی اسلام و روابط بین‌الملل، رشت: دانشگاه گیلان.

سیمبر، رضا (۱۳۸۹)، **تحولات ژئوپلیتیکی تروریسم در کشورهای جهان اسلام**، همایش بین‌المللی اسلام و روابط بین‌الملل، رشت: دانشگاه گیلان.

- شامیری، افشین، و شاهنده، بهزاد (۱۳۹۷)، «تبیین جایگاه قدرت هوشمند در سیاست خارجی چین»، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، پاییز، دوره ۱۴، شماره ۳۱، صص ۶۲-۳۱.
- صانعی، مهدی (۱۳۸۵)، «حکمرانی خوب مفهومی نو در مدیریت دولتی»، **ماهنامه تدبیر**، سال هفدهم، اسفند ۱۳۸۵، شماره ۱۸۷.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۵)، «مدخلی بر سرمایه اجتماعی»، **فصلنامه سیاست داخلی**، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۳-۷۵.
- فولر، گراهام (۱۳۷۷)، **قبله عالم: ژئوپولیتیک ایران**، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۸۴)، **حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت**، تهران: مرکز پژوهشات استراتژیک.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، **نقش دولت در حکمرانی خوب**، رساله دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی.
- قنبری، علی (۱۳۹۱)، **توسعه اقتصادی و توسعه انسانی**، چاپ اول، تهران: نشر چالش.
- کومار، سن آمارتیا (۱۳۸۱)، **در باب نابرابری اقتصادی**، ترجمه حسین راغفر، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۶)، «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، **دو فصلنامه آینده پژوهی ایران**، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان.
- مهدوی عادل و همکاران (۱۳۸۶)، «تاثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط»، **مجله دانش و توسعه**، سال پانزدهم، شماره ۲۴، صص ۱۰۶-۸۸.
- موسوی شفاپی، مسعود (۱۳۸۸)، **دیپلماسی اقتصادی**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- میدری، احمد (۱۳۸۳)، **تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، **حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- Graham J., Amos B., Plumptre T (2003), Principles for good governance in the 21st century, Policy Paper.brief no. 15, Institute on Governance
- Letner, Howard, (2005), Public Policy and Foreign Policy, Boston: Butterworth.
- Ramazani, R.K., (2001), "Reflections on Iran's Foreign Policy: Defining the National Interests", in John Esposito and R.K Ramazani (ed.), Iran at the Crossroads, New York: Palgrave.
- Simbar, Reza, (2006,) Iran and the US, Engagement or Confrontation, Journal of International and Area Studies, vol.13, no.1, June.
- Simbar, Reza, (2008), Changing Role of Islam in International Relations, Journal of International and Area Studies, vol.15, no. 2, December.
- Simbar, Reza, (2009), Political Islam and International System: Impacts and implications, Journal of International and Area Studies, vol. 17, no.2, December.
- Simbar Reza, and Ghorbani, Arsalan, (2010), Intellectual Bases and Practical Policy of the Iranian 9th Government in International Relations, Journal of International and Area Studies, vol. 17, no. 1.
- Simbar, Reza, (2011), Myths and Realities in Defining the Concept of Islamic Fundamentatlism, Journal of US-China Public Administration, April, vol. 8, no. 4.
- Graham J., Amos B., Plumptre T (2003), Principles for good governance in the 21st century, Policybrief No. 15, Institute on Governance.

منابع اینترنتی

- بصیری، مهدی (۱۳۹۷)، سدسازی توهم فراوانی آب است، خبرگزاری ایسنا، تاریخ دسترسی ۱۷ مهر ۱۳۹۸، <https://www.isna.ir/news/97101105671>
- پارسایی، بهرام (۱۳۹۸)، مافیای خودرو سازی مملکت را به طنز گرفته است، خبرگزاری ایسنا، تاریخ دسترسی ۱۵ مهر ۱۳۹۸، <https://www.isna.ir/news/98071007949>
- جهاننداری، امیرعلی (۱۳۹۴)، عدالت، معنویت و مقاومت نتیجه پیشرفت درونزا، سایت بصیرت، تاریخ دسترسی، ۲ بهمن ۹۸، <https://basirat.ir/fa/news/274691>
- راغفر، حسین و احسان سلطانی (۱۳۹۸)، بورژوازی کمپرادور نوین ایران، موسسه مطالعات دین و اقتصاد، تاریخ دسترسی اول اسفند ۱۳۹۸ <http://www.ires.ir/Contents/ContentDetails.aspx?CID=598>
- زینت بخش، امیر عباس (۱۳۹۷)، حکایت دویی، مجمع فعالان اقتصادی، تاریخ دسترسی، ۱۰ بهمن ۹۷، <https://choqorok.com/@esfahaneconomy/Oru4>
- سیمبر، رضا (۱۳۹۳)، لزوم طراحی سیاست خارجی هوشمند در دستگاه دیپلماسی ایران، ۲۸ اردیبهشت، تاریخ دسترسی، ۱۲ مهر ۱۳۹۸. <https://www.farsnews.ir/news/13930227001016>

سیمبر، رضا (۱۳۹۸)، ایران، ترامپ و تصور ذهنی از آمریکا در جهان، هجدهم فروردین،
تاریخ دسترسی، ۲ بهمن ۱۳۹۸، <https://donya-e-eqtasad.com/>
گزارش تابناک، (۱۳۹۷)، واقعیت دانشگاه های ایران به استناد آمار و ارقام، تابناک، تاریخ
دسترسی، ۱۲ خرداد ۱۳۹۷، <https://www.tabnak.ir/fa/news/804080/>
گزارش تسنیم (۱۳۹۸)، سراب فقر زدایی با افزایش مناطق آزاد، خبرگزاری تسنیم، تاریخ
دسترسی، ۲ دی ۹۸
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/09/30/2163673/>
ناظران، پویا، (۱۳۹۶)، درس هایی برای بانک های ایرانی، راه پرداخت، تاریخ دسترسی ۲۰
خرداد ۱۳۹۸، <https://way2pay.ir/75523>
ناظران، پویا (۱۳۹۸)، آمریکا ما را از چه می ترساند، دارایان، داشته های اقتصادی ایران، تاریخ
دسترسی، ۱۹ خرداد ۹۸ <https://www.daraian.com/fa/paper/141-day/21967>